

نقش اسرائیل در مدیریت منابع آب ایران در دوران پهلوی

وقتی آب بهانه است



مریم میکشپ

احتمالاً هفته پیش پیام نتانیاو به مردم ایران را شنیدید که با اشاره به فناوری‌های پیشرفته رژیم اسرائیل در حوزه مدیریت منابع آبی، از جمله بازیافت ۹۰ درصد فاضلاب و نمک‌زدایی، به مردم ایران وعده داد، به محض آزاد شدن ایران، برترین متخصصان آب اسرائیل با پیشرفته‌ترین فناوری‌ها و دانش به سراسر شهرهای ایران خواهند آمد و به ایران در بازیافت و نمک‌زدایی آب کمک خواهند کرد. برای جواب به دروغ‌اول نتانیاو درباره فناوری‌های پیشرفته و رفع مشکلات آبی در سرزمین‌های اشغالی، پیشنهاد می‌کنم گزارش «یک لیوان آب شیرین» شماره ششم وقایع اسرائیلیه را مطالعه کنید و برای بررسی صحت وعده دوم نتانیاو از دل تاریخ شروع می‌کنیم؛ با گزارشی که شاید برای بسیاری از ما کمتر شناخته شده باشد، داستان همکاری‌هایی که در سکوت، بین ایران پهلوی و عوامل رژیم عبری اسرائیلی شکل گرفت. همکاری‌هایی در پوشش کمک به حل مشکلات آب در ایران زمان پهلوی که اکثر نتیجه عکس داشتند و بعدها ابعاد امنیتی، اقتصادی و حتی زیست محیطی پیدا کردند و به موضوعی پیردازم که شبکه‌ای از روابط و منافع در پشت صحنه را آشکار می‌کند. مسأله مدیریت منابع آب در ایران طی دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی، در بستر توسعه صنعتی و شهری و همچنین تحولات سیاسی، اهمیت ویژه‌ای یافت. حضور شرکت‌های خارجی، به ویژه اسرائیل و عوامل وابسته به آن مانند یعقوب نیمروزی، در پروژه‌های آب شیرین‌کن و آبیاری مدرن موجب تغییرات عمده‌ای در سیاست‌های آبی کشور شد.

فرونشست در قزوین

ژرله قزوین که در سال ۱۳۴۱ رخ داد، به عنوان یکی از فجایع طبیعی مهم در تاریخ معاصر ایران شناخته می‌شود. این ژرله، علاوه بر تخریب گسترده منازل مسکونی و زیرساخت‌ها، منابع آب منطقه را نیز دچار اختلال کرد. بر اساس گزارش‌های مرکز زمین‌شناسی ایران، پس از ژرله، دشت قزوین که قبل از آن به علت وجود قنات‌های سنتی، کشاورزی پایداری داشت، با مشکلات جدی کم‌آبی و فرونشست زمین مواجه شد. مطالعات وزارت کشاورزی و سازمان آب ایران در دهه ۱۳۴۰ نشان داد که پس از ژرله، افت سطح آب زیرزمینی در دشت قزوین به بیش از ۵ متر رسیده و بسیاری از قنات‌های قدیمی خشک شده‌اند. که باعث کاهش قابل توجه سطح آب قابل بهره‌برداری کشاورزی شد. این اتفاقات باعث شد ایران برای مقابله با این بحران، به سراغ کمک‌ها و فناوری‌های خارجی برود.

ورود کارشناسان اسرائیلی و پروژه‌های آبیاری

براساس اسناد وزارت کشاورزی ایران و گزارش‌های ساواک، پس از این بحران، تیمی از کارشناسان رژیم عبری اسرائیل، از جمله نمایندگان شرکت مهندسی آب دولتی اسرائیل به نام TAHAL (برنامه ریزی آب برای اسرائیل) که بعدها Mekorot و شرکت‌های وابسته نیز به آن پیوستند، به ایران دعوت شدند تا پروژه‌های بازسازی و بهبود منابع آب را اجرا کنند. تیم اعزامی به سرپرستی آری ایسار (Arie Issar) و مهندس شموئل آبرباخ (Shmuel Aberbach) مرمت قنات‌ها را مقرون به صرفه ندانسته و حفر چاه‌های عمیق مدرن را پیشنهاد دادند. جایگزینی قنات‌های سنتی با چاه‌های عمیق که تحت نفوذ و تشویق کارشناسان

اسرائیلی صورت گرفت، در ابتدا و در کوتاه مدت مشکلات آب منطقه را برطرف کرد؛ اما پیامدهای منفی گسترده‌ای مانند افت شدید منابع آب زیرزمینی و فرونشست زمین در دشت‌های متعدد، نابودی برخی پوشش‌های گیاهی بومی و کاهش تنوع زیستی در برخی مناطق، تمرکز مالکیت آب و کاهش عدالت اجتماعی در توزیع منابع آب و افزایش وابستگی به انرژی را به همراه داشت. در صورتی که قنات‌ها به صورت گران‌فروشی و بدون انرژی کار می‌کردند.

مشکلات فنی آب شیرین‌کن‌های اسرائیلی

یعقوب نیمروزی، یک بازرگان اسرائیلی و مأمور موساد، از سال‌های پیش از انقلاب در ایران حضور داشت و به واسطه روابط نزدیک با مقامات امنیتی و نظامی، نفوذ قابل توجهی در زمینه پروژه‌های آبی و صنعتی داشت. اسناد ساواک، اسناد وزارت امور خارجه ایران و گزارش روزنامه هارتز اسرائیل، فعالیت‌های اقتصادی و جاسوسی او را مستند کرده‌اند. او در راستای فعالیت‌های اقتصادی شرکت IDE (Israel Desalination Engineering Ltd.) تأسیس و مدیریت کرده و نقش کلیدی در پروژه‌های آب شیرین‌کن در ایران داشت. در سال ۱۹۷۳، نیمروزی شرکت I.D.E. را ثبت کرد و توانست در مناقصه آب شیرین‌کن کیش که ظرفیتش ۵ واحد ۲۵۰ مترمکعبی در روز بود، برنده شود. در این مناقصه، شرکت‌های آلمانی و سوئیسی نیز شرکت داشتند، اما به دلیل پرداخت رشوه به مقامات ایرانی و تخفیف‌های مالی، I.D.E. موفق به عقد قرارداد شد. اسناد ساواک و گزارش‌های مطبوعاتی ایران در دهه ۱۳۵۰ به این فساد اشاره دارند. نیمروزی از طریق نفوذ سیاسی خود توانست در آن مناقصات پیروز شده و پروژه‌های ارزشمندی همانند آب شیرین‌کن کیش و پروژه آب شیرین‌کن نیروی هوایی در بندرعباس را به دست آورد.

روزنامه هارتز در اواسط فروردین ۱۳۵۲ با اشاره به بهره‌برداری پنج دستگاه آب شیرین‌کن اسرائیلی در جزیره کیش به طور تلویحی به تبانی نیمروزی در مناقصه‌ها اشاره کرده است؛ «قیمت هر یک از این دستگاه‌ها ۲۵۰ هزار دلار است که توسط شرکت بازرگانی خارجی نیمروزی به ایران فروخته شده است. اسرائیل تاکنون ۲۰ دستگاه مشابه به ایران فروخته که در نقاط مختلف خلیج فارس نصب و راه‌اندازی شده است. این دستگاه‌ها روزی ۲۰۰ متر مکعب آب را شیرین‌سازی می‌کنند. شرکت‌های بزرگ آمریکایی، آلمانی و ژاپنی هم فروش و نصب این دستگاه را به ایران پیشنهاد کرده‌اند اما رژیم اسرائیل در این مناقصه برنده شده است.» اما با گذشت چند سال، تجهیزات اسرائیلی دچار مشکلات فنی شدیدی شدند. گزارش‌های رسمی دولت ایران و همچنین روزنامه‌های محلی و بین‌المللی تأیید می‌کنند که در سال ۱۳۵۱، سه دستگاه از پنج دستگاه نصب شده در کیش از کار افتادند و باقی‌مانده نیز قادر به تأمین آب کافی نبودند. تحلیل‌ها نشان دادند که تجهیزات خریداری شده از رژیم اسرائیل کیفیت پایینی داشتند.

با وجود این مشکلات، نیمروزی توانست با روابط خود در دربار و تدارک سفری برای فرماندار کیش و همراهانش به سرزمین‌های اشغالی و دیدار با مقامات اسرائیلی، سفارش ساخت چند واحد بزرگ و کوچک آب شیرین‌کن برای کیش را در سال ۱۹۷۴ ثبت کند. در سال ۱۳۵۶، کارخانه آب شیرین‌کن کیش با حضور شاه و مهندس‌ان اسرائیلی به بهره‌برداری رسید.

نیمروزی در کتاب خاطراتش، از نفوذ به نیروی دریایی از طریق فروش دستگاه

آری ایسار (راست)، سرپرست تیم توسعه آب اسرائیل در ایران
شاه ایران (چپ)، در اواخر دهه ۱۹۶۰ از ایسار و یکی از پروژه‌های
حفری آب بازدید کرد



آب شیرین‌کن صحبت کرده و می‌گوید: «می‌دانستیم نیروی دریایی ایران به تأسیسات آب شیرین‌کن برای پایگاه‌هایش در منطقه خلیج فارس و در رأس آن‌ها، پایگاه بندرعباس نیازمند است، بنابراین تلاش‌ها و اقدامات خود را برای نفوذ در نیروی دریایی ایران بیشتر کردیم. در نهایت نیروی دریایی ایران موافقت کرد که مهندس‌ان اسرائیلی وارد پایگاه نظامی آن‌ها شوند. بازدید از پایگاه در سپتامبر ۱۹۷۶ صورت گرفت. ما با گشت زنی در پایگاه اطلاعات مهمی را از جمله نقشه‌ها و طراحی‌های پایگاه به دست آوردیم. نیروی دریایی از ما خواست برای تأمین ۲۵۰ متر مکعب آب در هر روز برای پایگاه جزیره ابوموسی، سه دستگاه آب شیرین‌کن (واحد) تأسیسات نمک‌زدایی و برای پایگاه جزیره تنب بزرگ نیز به همین اندازه اقدام کنیم برای تأمین ۲۰۰ متر مکعب آب مورد نیاز پایگاه بندرعباس نیز پنج دستگاه مشابه آن چه در جزیره کیش نصب کرده بودیم، اقدام شد.»

قرارداد حق آبه هیرمند (۱۳۵۱) و اثرات آن

رودخانه هیرمند که از افغانستان به ایران جریان دارد، قرن‌ها نقش حیاتی در تأمین آب استان سیستان و بلوچستان داشت. تقسیم آب این رودخانه همواره از چالش‌های منطقه‌ای ایران و افغانستان بوده است. بر اساس قرارداد حق آبه هیرمند در سال ۱۳۵۱ که میان ایران و افغانستان منعقد شد، سهم ایران از رودخانه به میزان قابل توجهی کاهش یافت. اسناد وزارت امور خارجه ایران و اسناد سازمان ملل متحد نشان می‌دهند که این قرارداد تحت فشارهای سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی و بدخالت‌های لابی‌های اسرائیلی در آمریکا و افغانستان شکل گرفته بود. تحلیل‌های تاریخی نشان می‌دهند اسرائیل با اثر غیرمستقیم خود و لابی‌گری در آمریکا و افغانستان، همراه با نفوذ جان لیلین، تأثیرگذاری در این قرارداد داشته است؛ هرچند منابع رسمی درباره این ادعا محدود و مستند کمتر است، اما اشاره به تأثیرات غیرمستقیم و شبکه‌ای اهمیت دارد.

بررسی تاریخی همکاری‌های آبی میان ایران پهلوی و رژیم اسرائیل نشان می‌دهد فناوری، زمانی که در خدمت منافع سیاسی و امنیتی قرار گیرد، می‌تواند به ابزاری برای نفوذ، وابستگی و تخریب زیرساخت‌های بومی بدل شود. ورود کارشناسان اسرائیلی به پروژه‌های آبی ایران، از مرمت قنات‌ها و حفر چاه‌ها تا ساخت آب شیرین‌کن‌ها، نه تنها نتوانست بحران‌های ساختاری منابع آب در ایران را حل کند، بلکه با تضعیف نظام سنتی مدیریت آب، وابستگی به فناوری‌های پرهزینه و ناکارآمد را افزایش داد.

از سوی دیگر، نقش عوامل اسرائیلی در قراردادهای بین‌المللی مانند حق آبه هیرمند، نشان‌دهنده تلاش برای مهندسی منافع منطقه‌ای به زیان ایران است. این تجربه تاریخی، شبکه‌ای پیچیده از روابط اقتصادی، امنیتی و اطلاعاتی را نمایان می‌کند که در پوشش کمک‌های فنی و توسعه‌ای، اهدافی فراتر را دنبال می‌کردند. پس وعده‌های امروز رژیم اسرائیل درباره کمک به حل بحران آب ایران، نه تنها فاقد اعتبار تاریخی‌اند، بلکه با توجه به تجربه‌های گذشته، پیش از اقدام محکوم به شکست هستند. آینده مدیریت منابع آب ایران، نه در وابستگی به فناوری‌های وارداتی، بلکه در احیای دانش بومی، استقلال زیرساختی و بازنگری در سیاست‌های منطقه‌ای نهفته است.

مهندس آب اسرائیلی، شموئل ابرباخ،
نفر دوم از چپ، در کاخ هشت بهشت،
اصفهان، ایران در سال ۱۹۶۳